



نیره قاسمی زادیان

«چقدر دلم برای تو تنگ است؛ بر نمی‌گردی؟!»

ظهور را بدهند یا یک سال دیگر یا ۵۰ سال دیگر، چه تغییری در حال ما رخ خواهد داد؟! شاید این قدر این واقعه برای ما مهم نباشد که بخواهیم زمان را حذف کنیم!

منتظر کسی است که عظمت آن واقعه، آن قدر برایش مهم باشد که اگر به او بگویند، این جمعه آقا نخواهد آمد، باور نمی‌کند، باز هم همان جمعه در به در به دنبال آقا است.

آیا می‌توانی برای آمدن کسی دعا کنی و منتظر باشی که اصلاً آمدنش، و نه بودنش، برایت مهم نباشد!! یکی از شرایط منتظر واقعی، نوع دوستی است.

تو چقدر خوشبختی و سلامتی مردم برایت مهم است؟! تا به حال به جای فقیری لرزیده‌ای؟! اگر مقابل تو به کسی ظلم شود، ناراحت می‌شوی؟! گفته‌ای:

وقایع، زمان را له می‌کند. هم‌چون واقعه قیامت که برای عده‌ای آن قدر مهم می‌شود که فاصله را حساب نمی‌کنند، اما عده‌ای برای درک مرگ باید در آستانه مرگ قرار بگیرند، آن‌ها اسیر زمان هستند.

انتظار متعلق به آدم‌های بزرگ است. آدم‌های کوچک، آدم‌نماها، نمی‌توانند متعلق به یک زمان دور باشند در مقابل امام زمانی که «محاسبه‌گر» ماست، اگر کمی خودمان را محاسبه کنیم شاید بتوانیم کمی فاصله خودمان را با او احساس کنیم. تو که این قدر ادعای منتظر بودن داری، چه کار مثبتی برای ظهور کرده‌ای؟! تا به حال سر بر خاک گذاشته‌ای و

آقا! از شدت شرم نمی‌توانم سرم را بلند کنم! شرمندگی گاهی بد نیست. خودمان را محاسبه کنیم. اگر فردا خبر

- از این دنیا خسته شده‌ام؛ از این همه شعار «بی» شعور. از این همه بی‌انصافی و بی‌عدالتی. دیگر امیدی برای زنده ماندن در وجود نمی‌یابم. سراسر زندگی‌ام فقط شده غم و غصه و مشکلات. اگر چند روز دیگر هم زنده باشم! چه تاجی بر سر خلقت خواهیم زد؟! □ مردی از قبیله نور خواهد آمد و به همه دردهای تو رسیدگی خواهد کرد. او خواهد آمد.

- انتظار! چقدر انتظار؟! از این چشم به راهی هم به ستوه آمده‌ام. روزها و ماه‌ها و سال‌هاست که می‌گویند می‌آید، پس کی؟! □ ای منتظر غمگین مباش، قدری تحمل بیشتر کردی به باشد در افق گویا سواری می‌رسد تا به حال فکر کرده‌ای، بعضی از





راستی اجرا شدن احکام اسلام، چقدر برایت مهم است؟
 کی شده نیمه شب‌ها نجوا کنی. بگی: خدایا! اگر این جوان‌ها روی مهدی (روحی فداه) را ببینند چه خواهد شد؟ می‌دانی اگر یک شیعه زمین بخورد و در اثر مشکلات نتواند معالجه کند، مهدی فاطمه (روحی فداه) برای او اشک می‌ریزد؟! باور می‌کنی، اگر سردرد، قرار از وجودت برباید، کسی هست به خاطر شما سرش درد بگیرد! آن وقت مشکلات را قورت می‌دهی و می‌گویی: آقا من راحتم، اصلاً هیچ مشکلی ندارم. اگر تو به سوی خدا برگردی، آقا با لبخند تو را به خدا نشان می‌دهد و می‌گوید: خدایا دیدی آمد! اما اگر پس از «توبه» از درگاه خدا برگردی.

جا دارد آقا، نزد خدا از ما شکایت کند، اما ما گناه می‌کنیم و او به جای شکایت شرمند می‌شود. باور می‌کنی، آقا تا آخر هم چشمش دنبال ماست، چه غریبانه می‌گوید:
«دعا کنید من بیایم، دنیایان را آباد می‌کنم»
 می‌دانی چگونه می‌توان زمینه‌ساز قیام آقا شد؟!
 می‌توانی زنده باشی، درس بخوانی، اما در این دنیای پست، آلوده به زخارف دنیا نشوی! تا مردم ببینند می‌شود، جوان‌هایی امکان گناه داشته باشند، ولی گناه نکنند.
 بگذار مردم باور کنند که می‌توان جوان دیندار بود.

می‌شود یک شبی ما احساس کنیم بگوییم: آقا! می‌دانی دلم خیلی برای چشم‌های دلربای تو تنگ شده است.
 آقا! راه آدم شدن را به من نشان بده؟! اگر یک‌بار این چشم‌های بی‌لیاقت من، تو را ببینند، آدم می‌شوم.
 آقا، اگر زمان آمدنت نشده، لااقل خود را به ما نشان بده تا همه حرف‌ها را از چشم‌های تو بخوانم!
 - با این زمزمه‌ها، دیگر نه شکوه‌ای از دنیا دارم و نه سخنی با تو، می‌خواهم با خودش سخن بگویم:
چقدر دلم برای تو تنگ است؛ بر نمی‌گردی؟!!



سید صادق سید نژاد

با مهدی (عج) در گذر تاریخ

آشنایی با ابعاد گوناگون زندگانی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام از جهاتی، به ویژه برای قشر جوان حائز اهمیت است. چون امام علیه‌السلام در فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام شخصیتی است که به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علاوه بر مسؤولیت رهبری و تبیین احکام الهی، عهده‌دار وظیفه سنگین هدایت و تربیت نفوس مردم نیز هست. بنابراین، تمام رفتار و اعمال امام علیه‌السلام در چارچوب یک برنامه منسجم و حساب‌شده با هدف ارشاد و پرورش کمالات انسانی افراد انجام می‌گیرد. بر این اساس، عامه مردم، به ویژه نسل نوجوان و جوان جامعه، از طریق دقت و تأمل در مجموعه وقایع زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام اولاً، می‌توانند شیوه‌های درست زندگی و کسب فضایل اخلاقی و انسانی که، پایه‌های کمال آدمی را تشکیل می‌دهند، بیاموزند و ثانیاً، از راه مطالعه در سیره عملی ائمه علیهم‌السلام به منزلت و عظمت والای آنان پی برده و همواره در زندگی از طریق الگو قرار دادن سیره عملی آنان، به موفقیت‌های لازم دست یابند.

